

رشد مدارس غیرانتفاعی نماد ناکارآمدی نظام آموزشی

محمد داوری

آموزش و پرورش در تمام کشورهای دنیا که در قریب به اتفاق کشورها يك دوره 12 ساله است برای آموزش عمومی کودکان و نوجوانان به منظور تربیت نسل جدید صورت می‌گیرد تا آنها متناسب با ضرورت‌های زیست جهانی، ملی و منطقه‌ای و محلی آشنا شده و دانش و مهارت‌های لازم را برای ایفای نقش مدنی و شهروندی خود بیاموزند، مهارت‌هایی که یونسکو و یونیسف از آن تحت عنوان مهارت‌های زندگی نام می‌برند و یکی از مهم‌ترین و شاید زمینه‌ساز و پیش‌نیاز توسعه و نشانه توسعه یافتگی را کسب این مهارت‌ها می‌دانند، لذا در بررسی میزان کارآمدی يك نظام آموزشی این شاخص بسیار اهمیت دارد و دولت‌ها موظف هستند به همین منظور شرایط آموزش عمومی رایگان را به صورت عادلانه برای همه افراد مهیا سازند.

عدالت و کیفیت آموزشی دو شاخص مهم در ارزیابی نظام‌های آموزشی است که در میزان تحقق این شاخص به ویژه عدالت آموزشی نسبت مدارس غیردولتی به دولتی تعیین‌کننده است، به این معنا که وقتی در کشوری نسبت مدارس غیردولتی به نسبت مدارس دولتی افزایش می‌یابد، نشانه آن است که آموزش عمومی در این کشور طبقاتی‌تر شده و شکاف طبقاتی میان دانش‌آموزان افزایش یافته است و تعداد دانش‌آموزانی که در مدارس غیرانتفاعی از امکانات و خدمات و برنامه‌های آموزشی کیفی‌تر برخوردار هستند، بیشتر شده است که به تبع آن این بی‌عدالتی خود را در میزان دسترسی به کرسی‌های دانشگاه هم تحمیل می‌کند و در ادامه این تبعات دسترسی به فرصت‌های شغلی هم تبعیض‌آمیز خواهد بود. سال‌هاست که سال به سال نسبت به سال قبل بر تعداد مدارس و دانش‌آموزان مدارس غیردولتی افزوده می‌شود هر چند آمار دقیقی در سامانه‌های رسمی آموزش و پرورش در این زمینه وجود ندارد ولی بر اساس آنچه در سال‌های اخیر از سوی مسوولان مربوطه اعلام شده است به نظر می‌رسد بین 12 تا 15 درصد دانش‌آموزان در ایران در مدارس غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند که تمرکز این دانش‌آموزان در شهرهای بزرگ و مناطق مرفه‌تر نشین است که نشانه همان شکاف طبقاتی است که باز در

میان خود مدارس غیردولتی هم يك شكاف بزرگي وجود دارد که از آن تحت عنوان مدارس خاص نام برده میشود. رشد آمار دانش‌آموزان مدارس غیردولتی نوک کوه یخ ناکارآمدی نظام آموزشی است، چراکه در سرمایه‌دارترین و لیبرال‌ترین کشورهای دنیا نیز نسبت مدارس غیردولتی به مدارس دولتی کمتر از ایران است و معنای این واقعیت تلخ در کشوری که نزدیک به نیم قرن پیش شعار عدالت‌خواهی محوری‌ترین شعار انقلابش بوده، میشود گفت حداقل در بخش آموزش با شاخص عدالت از بسیاری کشورهای توسعه یافته و غربی و اروپایی که با کشورهای در حال توسعه و آسیایی و همسایه نیز که مقایسه شود، خواهیم دید که در وضعیت نامطلوبی هستیم که نتیجه‌اش چیزی جز ناکارآمد دانستن نظام آموزشی نیست، چراکه انتخاب و ترجیح مردم حتی کسانی که چندان وضعیت اقتصادی خوبی ندارند و به سختی شهریه‌های چند ده میلیونی مدارس غیردولتی را تامین میکنند و فرستادن فرزندان بسیاری از مسوولان حتی مدیران و مسوولان آموزش و پرورش به این مدارس گواه روشنی است بر ناکارآمدی مدارس دولتی، البته ناگفته نماند که به یاری خوشفکری برخی مدیران و تلاش‌های برخی معلمان و پرسنل ما مدارس دولتی موفق و کارآمد داریم، اما نمیشود آن را به کل کشور تعمیم داد.

منبع: □□□□□□ □□□□□□ 25 □□□□□□ 1401 □□□□□□